

گفتم:

سلام ای مهربان پروردگار بی همتا

خدایا جز تو آیا مهربانی هست؟

گرچه پیمان خودم را با تو بشگستم

نمی شد باورم اما، چه زیبا باز من را سوی خود خواندی

عزیزا، من گمان کردم که دیگر راه برگشتی برایم نیست

خداوندا، مرا البته می بخشی

گمان کردم به جرم غفلت از تو

مرا راندی و در را پشت سر بستی

حبیبیا، باورش سخت است،

اما تو مرا اینک، برای آشتی خواندی؟!

به پاس آشتی با تو، اینک

من خدایا، عهد می بندم

از این پس بی شکایت، دوست خواهم داشت

بی توقع، مهر می ورزم

بی چشم داشت، می بخشم

خدایا، سینه ام را رحمت پاک گشایش، مرحمت فرما

به لب هایم، تبسم را

به چشمم نور پاکت را

به قلبم مهرورزی مهرت را

به لبانم؛ اسم مقدست را

به روحم، نفس مسیحایت را

خداوندا، بلندای دعایت را... عطا فرما

تو معشوق همه عالم

از این پس، عاشقی را، پیشه ام فرما

خدایا؛ راستش من آدمیزادم

گاهگاهی گر گناهی می کنم

طغیان مپندارش

کریم، من گناهی بنده ای دارم

و تو بخشایشی جنس خدا

آیا امید بخششم بی جاست؟

خودت گفתי بخوان

می خوانمت اینک مرا دریاب

به چشمانی که می جوید تو را، نوری عنایت کن

و خالی دو دست کوچکم را

هدیه ای اینک عطا فرما





خودت گفتی، کسی را دست خالی برنگردانید
بارها، راست می‌گویم
دگر من با خدایم، آشتی هستم
ببخشا آن گناهایی که دور از چشم مردم
در حضورت مرتکب گشتم
گناهایی که نعمت‌های پاکت را، مبدل کرد
خداوندا، ببخشا آن گناهایی که باعث شد، دعایم بی‌اثر گردد
گناهایی که امید مرا از تو، پریشان کرد
خدایا پیش آنانی که می‌گویند، من را تو نمی‌بخشی
تو رسوایم مکن
من گفته‌ام، من مهربان، پروردگار قادری دارم
که می‌بخشد مرا آیا به جز این است؟
خدایا، بین من با آن که نامت را نمی‌خواند
فرقی نیست؟
اگر من را به عدلت، در میان آتش اندازی
میان آشتت من باز می‌گویم
هلا ای مردمان
من مهربان پروردگار قادری دارم
که او را دوست می‌دارم
چه پیوندی میان آتش و قلبی که مهر تو در آن پیداست؟
و گیرم صبر آتش
ولیکن صبر بر دوری تو، هرگز
خدایا خوب می‌دانم، مرا تنها نمی‌خواهی
خدایا راست می‌گویی
غریب این زمین خاکیات
جز تو که را دارد؟
مرا مهمان دنیای خودت کردی
کریم تو پذیرایی از مهمان خود را، خوب می‌دانی
تو صاحب‌خانه‌ی خوبم
بیا ای مهربان همراه خوب مهر آئینم
بخوان با من
بخوان با من، زیرا اگر با هم بخوانیمش
جواب هر دومان را زود خواهد داد



در انتها از همه‌ی شما همراهان عزیزم، صمیمانه سپاس‌گزارم که در تمام طول مسیر تالیفاتم خالصانه در کنارم بودید :

- **سرکار خانم افشار**، مشوق صمیمی و مشاور ارزشمند مجموعه‌ی کانون فرهنگی آموزش.
- **آقایان : آرمین، سرشار ، سعد آبادی و سایر دوستان عزیزم** در بخش تولید و توزیع کتاب‌های در یک نگاه.
- **سرکار خانم سایه خالقی**، مدیریت تألیف و صفحه‌آرای خوش ذوق کتاب‌های در یک نگاه.
- و در نهایت **ویراستاران** اثر پیش رو :
- آقایان : محمد بنیادی ، ایمان صالحی، دانیال فرهادپور، حسین رضاپور، علی‌رضا ربیع‌زاده، محمد خسروی‌ان و
- خانم‌ها : نیوشا زرکش، کیمیا بسیجی، مژده ذاکری، رقیه ندرلی، مهرناز ربیعی، شقایق عبدولی، سوسن ناصری، آریتا رحمانی و ...
- دانش آموزان و همراهان من در مدارس سازمان ملی پرورش استعدادها، درخشان (سمپاد) و مرکز تخصصی آموزش زیست شناسی نما و ...

این بود آنچه داشتم؛ این بود آنچه که فواستم و در نهایت این بود آنچه که فکر می‌کردم؛ شما را در نیل به هدف مقدس‌تان یاری می‌کند. به امید روزی که شما هم آنچه را که اندوخته‌اید و دارید، عاشقانه به دیگران بیاموزید.

با یکی از روش‌های زیر در کنارمان باشید و در ادامه‌ی این مسیر یاری‌مان کنید تا روز به روز بهتر شویم.

Sms : ۳۰۰۰۱۳۰۰۸۰۸۲۸۴

web.sait : Nama-id.ir, Nama-andishe.com

E.mail : Dr.p.farhadian@gmail.com

بدرود تا درودی دیگر!

پدرام فرهادیان